



۳ ماه پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا زخم‌های تاریخی در ایرلند شمالی یک بار دیگر سر باز کرد

شورش نوجوانان در بریتانیا



داشت، اکنون با رقابت‌های گوناگون و ملی گرایانه تنگ‌نظرانه در معرض خطر قرار گرفته است.» با وجود اختلاف ناچیز بین موافقان و مخالفان، برگزیت هیچ‌گاه به همه‌پرسی دوباره گذاشته نشد و دولت لندن با سقوط چند دولت، در نهایت پروسه برگزیت را دنبال کرد. اگر قرار بود برگزیت به‌صورت درست و کامل اجرا شود، باید برای اعمال تعرفه گمرکی بین بریتانیا و اتحادیه اروپا، بین ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند که همچنان عضو اتحادیه است، یک مرز رسمی و مشخص ایجاد و تجهیزاتی برای این امر درنظر گرفته می‌شد، اما این نگرانی وجود داشت که این اقدام خشم ملی‌گرایان را به‌دنبال داشته باشد، چراکه مرز آزاد ایرلند ستون توافقنامه صلح «جمعه خوب» در سال ۱۹۹۸ بود و زیرپا نهادن آن، بار دیگر آتش تنش‌ها در ایرلند شمالی را شعله‌ور می‌کرد. این اتفاق نیفتاد و بریتانیا و اتحادیه اروپا توافق کردند تا ایرلند شمالی، با وجود جدایی بریتانیا، تا حدودی در محدوده بازار واحد اروپایی باقی بماند. این توافق که صدروزی از آن می‌گذرد، به آن معنی است که کالاهای وارداتی از بریتانیا به ایرلند شمالی -که بخشی از این پادشاهی به حساب می‌آید- در دروازه همین کشور از سوی نهادهای گمرکی اتحادیه اروپا کنترل می‌شوند و به آنها تعرفه و بازرسی گمرکی می‌خورد، اما نیازی به نظارت گمرکی میان ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند وجود ندارد. در غیاب مرز فیزیکی بین شمال و جنوب جزیره ایرلند، ملی‌گرایان کاتولیک می‌توانند احساس کنند که در یک ایرلند یکپارچه زندگی می‌کنند. از دیدگاه تجاری، کل جزیره ایرلند دوباره متحد شده است. این توافق برای کاتولیک‌های ملی‌گرا که رویای پیوستن ایرلند شمالی به جمهوری ایرلند را دارند، رویایی به‌نظر می‌رسد اما برای پروتستان‌های

جنگ‌های داخلی شد، ولی با این حال جزیره ایرلند عملاً به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. پروتستان‌های ایرلند شمالی در ماه مه سال ۱۹۲۱ پارلمان خود را تأسیس کردند که این موضوع ازسوی کاتولیک‌ها رد شد. پس از تشکیل پارلمان و دولت جدید ایرلند شمالی که توسط سیاستمداران پروتستان اداره می‌شد، کاتولیک‌ها به‌عنوان شهروندان درجه دوم محسوب شده و از برخورداری از حق رأی محروم شدند. در پی این تصمیمات، ارتش جمهوری ایرلند که خواهان ضمیمه شدن ناحیه Ulster (ایرلند شمالی) به جمهوری ایرلند بود، مبارزاتش را علیه ارتش بریتانیا و پلیس ایرلند شمالی افزایش داد، اما این کشور از قرن بیستم وارد یک جنگ داخلی که در تعصبات شدید افراطی مذهبی نشأت گرفته بود، شد. در پایان دهه ۶۰، کاتولیک‌ها خواستار حقوق برابر و مساوی با پروتستان‌ها شدند که دولت ایرلند شمالی این تقاضا را تهدیدی برای حوزه قدرتش در تمامی زمینه‌ها ارزیابی کرد. در همین راستا، اجتماعات ممنوع و تظاهرات مسالمت‌آمیز نیز با سرعت و به‌صورت وحشیانه سرکوب شدند. اداره ایرلند شمالی با خشونت‌ها و برخورد‌های کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها مختل شده بود. بازگرداندن آرامش، بهانه خوبی به لندن داد تا سال ۱۹۶۹ ارتش را جهت جداسازی در جامعه کاتولیک و پروتستان به منطقه ایرلند شمالی اعزام کند. ۳۰ ژانویه ۱۹۷۲ در میان اعتراضات و درگیری‌ها، تفتنگاران بریتانیایی روی تظاهرکنندگان بدون سلاح آتش گشودند، که به‌دنبال آن درگیری‌ها به بلفاست کشیده شد. در بلفاست پروتستان‌ها و پلیس با به‌آتش کشیدن منازل کاتولیک‌ها باعث فرار آنها از خانه و کاشانه شدند. پس از این واقعه ارتش جمهوری ایرلند مجدداً و به‌سرعت سازماندهی‌شد و کاتولیک‌ها نیز جهت دفاع از مناطق کاتولیک مسلح شدند. این اقدام توسط مردم نیز به‌صورت گسترده پشتیبانی شد. هدف ارتش ایرلند، آزادی از بریتانیا اعلام شد و فعالیت‌های خود را علیه ارتش بریتانیا سامان داد و ازسوی دیگر هزاران نفر از شبه‌نظامیان پروتستان نیز جهت دفاع از منافع خود و پروتستان‌ها، ملیشایی نظامی تشکیل دادند.

شین‌فین به‌عنوان شاخه سیاسی ارتش ایرلند و کاتولیک‌ها، درگیری‌ها را به‌صورت چریکی ادامه دادند. در پی این درگیری‌ها لندن تصمیم گرفت که دولت ایرلند شمالی را در سال ۱۹۷۲ معلق و پارلمان را منحل کند تا سرزمین ایرلند شمالی به‌مثابه خاک بریتانیا محسوب شود. تلاش‌های بسیار گسترده‌ای ولی تا ناکامی برای پایان دادن به درگیری‌ها طی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ به‌عمل آمد. در نهایت لندن مذاکراتی مهرانه را با ارتش جمهوری ایرلند برای آتش‌بس با دوام آغاز کرد. این مذاکرات در سال ۱۹۹۸ منجر به موافقت‌نامه صلح «جمعه خوب (نیک)» شد تا پس از مرگ ۳۵۰۰ نفر، اختلاف‌نظر درمورد اینکه ایرلند شمالی باید در انگلستان بماند یا به ایرلند متحد بپیوندد، ظاهراً به فراموشی سپرده شود. این موافقت‌نامه، تغییری در وضعیت ایرلند شمالی ایجاد نکرد، اما توانست آتش‌ها را زیر خاکستر پنهان کند تا برای چندسال، ایرلند شمالی رنگ آرامش را ببیند.

یک ناآرامی همیشگی

پس از موافقتنامه صلح، اگرچه ایرلند شمالی ناآرامی‌هایی را تجربه کرد، اما این ناآرامی‌ها هیچ‌گاه زمان را به عقب نبرد تا بار دیگر یک جنگ چریکی در این منطقه به راه بیفتد. همه‌پرسی برگزیت که با اختلاف ۵/۱۹ در برابر ۴۸/۱ تأیید شد، به‌نظر می‌تواند دوباره اوضاع را به‌سمت بحران هدایت کند. در همه‌پرسی ژوئن ۲۰۱۶، مردم اسکاتلند و ایرلند شمالی به برگزیت رای منفی دادند تا نگرانی درباره هزینه‌های این رخداد در لندن بالا برود. این نگرانی در اظهارنظرهای گوردون براون، سیاستمدار و نخست‌وزیر سابق انگلیسی نیز خود را به‌نمایش گذاشت: «نه‌تنها اتحاد و تمامیت انگلستان در معرض خطر قرار گرفته است، بلکه مجموعه‌ای از ارزش‌ها مانند مدارا، احترام، تنوعات و… که در انگلستان وجود

با مخالفت بخشی از جمعیت ایرلند مواجه شد و این مخالفان یک گروه شبه‌نظامی به نام داوطلبان اولستر تشکیل دادند تا با ایجاد حکومت محلی در ایرلند مقابله کنند. درمقابل این گروه، بخش دیگری از جامعه ایرلند که خواهان استقلال بیشتر بودند، داوطلبان ایرلندی را تشکیل دادند. در ۱۹۱۴ پارلمان بریتانیا لایحه‌ای دیگر برای حکومت داخلی ایرلند تصویب کرد که ایجاد چنین نهادی را تا پایان جنگ جهانی اول به تعلیق می‌انداخت. برنات دولین مک‌آلیسکی، از رهبران آزادی‌خواه ایرلند شمالی در یک سخنرانی در نیویورک آمریکا درباره آن سال‌ها می‌گوید: «دولت بریتانیا برای آنکه مردمان ایرلند را به جنگ جهانی اول بکشاند، به ایرلندی‌ها قول داد که اگر جوانان شان را از طرف شاه انگلستان به مسلخ فلدنرز (Flanders) بفرستند، به آنها استقلال داده خواهد شد. بسیاری از مردم ما رفتند. اما جنبشی ملی پدیدار شد که می‌گفتند اگر بخواهند به جنگ بروند و کشته شوند، این کار را در راه آزادی کشور خودشان انجام خواهند داد.» در ۱۹۱۶ بازمانندگان سازمان داوطلبان ایرلندی با همراهی ارتش خلق ایرلند در جهت کسب استقلال، قیامی در دولین برپا کردند که به قیام عید پاک معروف شد. این قیام پس از یک هفته ساقط شد و رهبران آن اعدام شدند، اما موجب اقبال عمومی مردم به جبهه ملی‌گرایان شد و بر همین اساس جنبش‌های استقلال‌طلبانه ایرلندی مبارزات‌شان را تشدید و مبارزات مسلحانه را آغاز کردند تا اقبال عمومی مردم جمهوری ایرلند به سمت حزب شین‌فین که پیشکسوتان قیام عید پاک آن را رهبری می‌کردند و خواهان اعلان استقلال کشور ایرلند بودند، برود. در انتخابات عمومی ۱۹۱۸ ایرلند شین‌فین اکثریت کرسی‌های ایرلند را به‌دست آورد، اما نمایندگان خود را به مجلس

بریتانیا در وست‌مینستر نفرستاد و در عوض در شهر «دولین یک مجلس انقلابی تشکیل داد. این حزب سپس «جمهوری ایرلند» را تأسیس کرد تا جایگزین نهادهای محلی منصوب بریتانیا شود. در پی این اقدامات جنگ استقلال ایرلند آغاز شد و ارتش جمهوری‌خواه ایرلند شروع به مبارزه با نیروهای بریتانیا کرده و جنگ چریکی را علیه آنان آغاز کرد. جنگ در سال ۱۹۱۹ فقط ۱۹ کشته داشت، اما از نیمه دوم سال ۱۹۲۰ به‌شدت تلفات افزایش یافت و فقط در ۶ ماه اول سال ۱۹۲۱ هزار نفر در طرین درگیری کشته شدند. پس از جنگ‌های استقلال طلبانه در ۱۹۱۸-۱۹۲۱، بین ارتش جمهوری ایرلند و دولت بریتانیا و شورشیان پروتستان، لندن پذیرفت با ارتش جمهوری ایرلند مذاکره کند. در جریان این مذاکرات قراردادی به ایرلندی‌ها پیشنهاد شد تا پروتستان‌ها که اکثریت استان Ulster را تشکیل می‌دادند، در چارچوب بریتانیا باقی مانده و به‌نام ایرلند شمالی خوانده شود. درمقابل کاتولیک‌ها که اکثریت را در جنوب تشکیل می‌دادند، دولت آزاد خود را با پارلمان و دولت مستقل خواهند داشت، اما به‌هنگام سوگند به تاج پادشاهی بریتانیا قسم خواهند خورد (جمهوری جدید ایرلند جنوبی شامل ۲۶ استان که جمهوری ایرلند کنونی را تشکیل می‌دهد). عدم تفاهم درخصوص شرایط قرارداد ازجمله سوگند به تاج پادشاهی بریتانیا که به‌معنای این بود که ایرلند همواره بخشی از بریتانیا محسوب می‌شود، باعث شروع مجدد

مجتبی خراسانی
روزنامه‌نگار

دیوید کامرون، نخست‌وزیر اسبق بریتانیا اگر می‌دانست وعده‌ای که برای پیروزی حزیش در انتخابات پارلمانی به مردم داد، علاوه بر اینکه او را از مسند قدرت به زیر می‌کشد، بریتانیا را هم دچار گرفتاری‌های دومینوار می‌کند، پیشنهاد خروج از اتحادیه اروپا را کمی محتاطانه‌تر مطرح می‌کرد. برگزیت می‌توانست همه‌پرسی‌ای شود که بریتانیا را از اتحادیه اروپا خارج ولی درعین حال اتحاد پادشاهی بریتانیا را تقویت کند اما چنین نشد و فاصله ناچیز بین موافقان برگزیت و مخالفانش، منجر به تقویت گسل‌های پنهان مانده در این سرزمین شد. پنج‌سال پس از همه‌پرسی، برگزیت در ایرلند شمالی یعنی یکی از کانون‌های اصلی تنش‌های مذهبی، آشوب به پا کرده است. ایرلند شمالی درکنار انگلستان، ولز و اسکاتلند، کشور پادشاهی متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی یا به اختصار بریتانیا را تشکیل می‌دهد. از هفته گذشته ایرلند شمالی شاهد درگیری‌های خشونت‌بار شده است. در طول این یک هفته، ناآرامی‌ها روزه‌به‌روز گسترده‌تر شد و مناطق پروتستان‌نشین بیشتری را به‌ویژه در بلفاست مرکز ایرلند شمالی دربرگرفت. این درگیری‌ها برای کسانی که آشنایی نسبی با تاریخ ایرلند شمالی و نزاع‌های مذهبی بین کاتولیک‌های طرفدار الحاق ایرلند شمالی به جمهوری ایرلند و پروتستان‌های مخالف آن دارند، رخدادی نسبتاً عادی است که هزارچندگاهی یک‌بار به وقوع می‌پیوندد. اگرچه در دهه‌های گذشته و پس از جنگ‌های چریکی در این منطقه، در آخرین سال‌های قرن ۲۰ توافق صلح این تنش‌ها را کاهش داد اما در سال‌های گذشته و به بهانه‌های مختلف، کینه‌های سیاسی-مذهبی، زمینه‌ساز تنش و درگیری چند روزه بین طرفین بوده است. یکی از این تنش‌ها در دی ماه سال ۹۱ (ژانویه ۲۰۱۳) رقم خورد. در آن سال شورای شهر بلفاست تصمیم گرفت تا برافراشتن پرچم بریتانیا بر ساختمان شهرداری به مناسبت‌های خاص را محدود کند. پروتستان‌های طرفدار ادامه اتحاد با بریتانیا که خواهان اهتزاز پرچم بریتانیا به عنوان نشانه‌ای از ادامه تعلق همیشگی ایرلند شمالی به بریتانیا بر فراز ساختمان شهرداری بلفاست بودند، این تصمیم را برناتفتند و در برابر ساختمان شورای شهر بلفاست تجمع کردند. آن گونه که رسانه‌های انگلیسی گزارش دادند، این افراد در مسیر بازگشت با ملی‌گرایان ایرلندی که از جدایی ایرلند شمالی از بریتانیا و الحاق به جمهوری ایرلند (ایرلند جنوبی) حمایت می‌کنند، درگیر می‌شوند و این درگیری چنان شدت پیدا می‌کند که هم پس برای متفرق کردن شان مرد هدف کوکتل مولوتوف، سنگ و آجر قرار می‌گیرد. پشت این اعتراض‌ها که مسلح آن به چنان خشونت‌نی می‌رسد که پلیس برای مدیریت اوضاع از ماشین‌های آبپاش و گلوله‌های پلاستیکی استفاده می‌کند، چه ماجرابی نهفته است؟

ریشه اختلافات در کجاست؟

جزیره ایرلند از چهار ناحیه Munster در جنوب، Conaught در شرق، Leinster در غرب و Ulster در شمال تشکیل می‌شود. ناحیه Ulster که به ایرلند شمالی معروف است، ۱۹ استان دارد که ۶ استان آن در ایرلند شمالی و ۳ استان دیگر در جمهوری ایرلند قرار دارد. انگلیسی‌ها اگرچه در قرن دوازدهم بخش‌هایی از این سرزمین را در اختیار داشتند، اما در قرن شانزدهم جزیره را به‌طور کامل به اشغال خود درآوردند. دولت انگلستان، مهاجران اسکاتلندی پروتستان‌مذهب را در ایرلند شمالی سکنی داد تا زمینه تبدیل جزیره ایرلند به دو جامعه درحال نزاع را به‌وجود بیاورد. در سال ۱۷۱۹ در انگلستان قانونی ابلاغ شد که براساس آن کلیه قوانین

باید براساس این قانون به‌اجرا درمی‌آمد. انگلستان قوانین کيفری سختی علیه کاتولیک‌ها که اکثریت مطلق ایرلند را تشکیل می‌دادند، وضع کرد و آنها را از بسیاری از حقوق ازجمله حقوق مدنی محروم کرد تا زمینه شورش کاتولیک‌ها فراهم شود. درنتیجه این شورش، در ۱۷۸۲ انگلستان مجلس مستقل ایرلند را پذیرفت. در سال ۱۸۰۰ پارلمان انگلیس قانونی را تصویب کرد که براساس آن جزیره ایرلند جزء سرزمین پادشاهی بریتانیا محسوب می‌شد و از آن زمان این سرزمین به‌نام پادشاهی متحد بریتانیای بزرگ و ایرلند نامیده شد. در سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۱۲ دولت مرکزی انگلستان پیشنهادی برای ایجاد حکومت خودمختار محلی در ایرلند ارائه کرد که